



Article Type: Research paper

Strategic requirements of the resistance axis for national security of the Islamic Republic of Iran

* Hasan khodaverdi¹, Mahdi nabavi², Garineh keshishian³, Reza simbar⁴

1. Associate Professor of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran.
2. PhD student, International Relations, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
4. Full Professor of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Guilan, Rasht, Iran.

Article Info.

Received: 10/8/2022

Accepted: 25/1/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

The Axis of Resistance, the Islamic Republic of Iran, the West Asia region, national security.

* Corresponding Author:

Dr. Hasan khodaverdi

Address: Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran.

E-mail:

hkhodaverdi@iau.ir

Abstract

The axis of resistance, due to the quantitative and qualitative expansion it has found in the last two decades, has been able to show itself as an effective element in the political and military processes of the West Asian region and has acquired special capabilities in this regard. This issue has caused the establishment of specific security arrangements around the Islamic Republic of Iran, or in better words, the establishment of a kind of balance of threats in the region of West Asian countries. To the extent that it can be said that it "automatically" repels regional and extra-regional threats against the Islamic Republic of Iran. This research aims to investigate the strategic requirements of the axis of resistance; It has been done for the national security of Iran. According to the descriptive research method used in this research, field (questionnaire) and library (documents) methods have been used to test the hypothesis. The statistical population of the present study consists of 60 people, and using Cochran's formula, the number of 50 people was determined as the sample size. The findings of the research show that the multi-vector and multi-faceted nature of the axis of resistance with emphasis on the activation of economic power, stabilization of military and defense power; and deepening of cooperation with large extra-regional powers (Russia and China) as well as interaction and building constructive relationships in the framework The neighborhood policy is for the foreign policy doctrine and adopting the optimal strategy in the West Asian region

How to Site:

khodaverdi, H., Nabavi, M., Keshishian Siraki, G. and Simbar, R. (2025). The strategic requirements of the axis of resistance for the national security of the Islamic Republic of Iran. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 80-111.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

الزامات راهبردی محور مقاومت؛ برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

*حسن خداوردی^۱، مهدی نبوی^۲، گارینه کشیشیان سیرکی، رضا سیمبر^۳

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۲. دانشجوی دکتری، روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. استاد تمام گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۹ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۶ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

محور مقاومت باتوجه به گسترش کمی و کیفی که در دو دهه اخیر یافته است، توانسته خود را به عنوان عنصر مؤثر در فرایندهای سیاسی و نظامی منطقه غرب آسیا نشان دهد و قابلیت‌های ویژه‌ای در این خصوص کسب کند. این مسئله سبب ایجاد ترتیبات امنیتی مشخص پیرامون جمهوری اسلامی ایران یا به عبارت بهتر، برقراری نوعی موازنه تهدید در حوزه کشورهای منطقه غرب آسیا شده است، تا حدی که می‌توان گفت به صورت «خودکار» تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را دفع می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. باتوجه به روش تحقیق توصیفی مورد استفاده در این پژوهش، از شیوه‌های میدانی (پرسشنامه) و کتابخانه‌ای (اسنادی) برای آزمون فرضیه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را به تعداد ۶۰ نفر تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چندبردارسازی و چندوجهی کردن محور مقاومت با تأکید بر فعال‌سازی ظرفیت اقتصادی، تثبیت قدرت نظامی و دفاعی و تعمیق همکاری با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای (روسیه و چین) و همچنین تعامل و برقراری ارتباط سازنده و در چهارچوب سیاست همسایگی برای دکترین سیاست خارجی و اتخاذ راهبرد مطلوب در منطقه غرب آسیا، مهم‌ترین الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با محور مقاومت است.

کلیدواژه‌ها:

محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران، منطقه غرب آسیا، امنیت ملی.

* نویسنده مسئول:

دکتر حسن خداوردی

نشانی: دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

پست الکترونیکی:

hkhodaverdi@iau.ir

استناد به این مقاله:

خداوردی، حسن، نبوی، مهدی، کشیشیان سیرکی، گارینه و سیمبر، رضا. (۱۴۰۴). الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۷(۲)، ۸۰-۱۱۱.

۱. مقدمه

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حمله آمریکا به افغانستان و سپس عراق، سرآغاز مجموعه تحولات و روندهایی محسوب می‌شود که ماهیت نظم غرب آسیا را دگرگون کرده است. در این بین، جمهوری اسلامی ایران به نسبت دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و حتی بیشتر، طی دو دهه اخیر تلاش کرده است خود را به‌عنوان بازیگر کلیدی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در تعریف و طراحی و اجرای ابتکارات مختلف منطقه‌ای معرفی کند. علی‌رغم تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران و منزوی‌سازی سیاسی آن، سیاست منطقه‌ای این کشور در غرب آسیا طی یک دهه اخیر در حال گسترش بوده است. این سیاست منطقه‌ای عموماً تحت عنوان همکاری با جبهه مقاومت یا محور مقاومت در سیاست خارجی ایران بازتاب می‌یابد و شامل اتحاد و ائتلاف با مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی و دولتی و غیردولتی در سطح منطقه غرب آسیا می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران ابتکار خود را در قالب محور مقاومت و در تقابل با آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان سازشکار روبه‌رشد در میان کشورهای منطقه تعریف کرده است. هرچند جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود درخصوص مقاومت اسلامی و جنبش‌های رهایی‌بخش مسلمان منطقه، نگاهی مبتنی بر آرمان‌های انسانی و انجام وظایف و دستورات الهی یا به عبارت بهتر ایدئولوژیکی دارد، با وجود این، پیگیری موضوع مذکور هیچ‌گونه منافاتی با تأمین امنیت ملی ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی ندارد. در کنار جنبه‌های انسان‌دوستانه و بعد معنوی، دینی و مذهبی، همکاری ایران با محور مقاومت واکنشی به ادراک تهدیداتی است که در فضای منطقه‌ای غرب آسیا علیه آن شکل گرفته است و از منظر این همکاری - ابتدا به ساکن - ماهیت تهاجمی نداشته است و این پشتیبانی برای بازدارندگی در برابر قدرت‌های تهدیدگر در محیط منطقه‌ای به وجود آمده است.

در کنار فرصت‌ها و قابلیت‌ها، محور مقاومت دارای آسیب‌پذیری‌ها، چالش‌ها و ضعف‌هایی است که برای رقبا و کشورهای متخاصم منطقه علیه ایران و منافع و امنیت ملی آن قابل بهره‌برداری است، مانند اقتصاد ضعیف و ادامه اختلافات میان جامعه شیعه و سنی یا خود شیعیان بر سر نوع تعامل با ایران یا پذیرش آرمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک آن، فشار اقتصادی ناشی از تأمین هزینه‌های محور مقاومت و تلفات انسانی ناشی از حمایت مستشاری نظامی.

چالش دیگر، فقدان توازن بین بعد نظامی و امنیتی با بعد سیاسی و اقتصادی روابط ایران با بازیگران حاضر در محور مقاومت است. همچنین این اتحاد رسمی و غیررسمی به لحاظ ساختار حکومتی و اقتصادی دارای مشکلات و مسائل مختلفی است بنابراین وجود محور مقاومت از منظر امنیت ملی و سیاست خارجی، آثار و پیامدهای مثبت و چالش‌ها و تهدیداتی برای ایران در پی دارد. با این توصیف مهم‌ترین دغدغه محققان، که اساس شکل‌گیری این پژوهش را شکل داده، این موضوع است که الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۲. پیشنهاد پیشینه پژوهش

- آدمی و کشاورز مقدم (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" سعی کردند در قالب نظریات مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی بری بوزان از یک سو نشان دهند که شدت‌گیری بحران در کشور عراق و سوریه چه تهدیدات امنیتی برای ایران ایجاد کرده است و از سوی دیگر نشان دهند که راهبردهای امنیتی منطقه چه تغییری کرده است که حفظ محور مقاومت جزء اصلی دکتین امنیتی ایران شده است؟ آدمی و کشاورز به این نتیجه رسیده‌اند که سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق، به‌عنوان کشورهای که عضو محور مقاومت هستند، سبب تضعیف محور مقاومت، گفتمان شیعه، انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و برتری یافتن عربستان در منطقه و کاهش ضریب امنیتی ایران در منطقه می‌شود.

- قاسمی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی" با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر محور مقاومت را تبیین و تحلیل کرده است. از یک سو، مقاومت مردم منطقه و الگوی گفتمانی انقلاب اسلامی موجب تقویت جایگاه مردم‌سالاری دینی و گفتمان اسلام انقلابی (انقلاب اسلامی ایران) شده و همواره فرصتی در راستای افزایش امنیت ایران و تقویت و گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی خواهد بود. از سوی دیگر، محور مقاومت، منطقه راهبردی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در محور مقاومت سبب تقویت امنیت ملی ایران خواهد شد.

- کریمی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به

مجموعه امنیتی محور مقاومت" در چهارچوب مکتب کپنهاگ، نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت را بررسی کرده و نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی، ایران با تکیه بر اندیشه‌های اسلامی شیعه‌محور و رشد ارزش‌هایی همچون عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی و حمایت از مستضعفان جهان، با نظام دوقطبی حاکم بر نظام بین‌الملل و نامشروع‌سازی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی مقابله می‌کند. به تدریج این گفتمان مقاومت، مورد توجه ملت‌های تحت سلطه آمریکا و هم‌پیمانان آن و مورد تجاوز رژیم غاصب اسرائیل قرار گرفت و در نتیجه مجموعه امنیتی جبهه مقاومت تشکیل شد. در نتیجه مجموعه امنیتی محور مقاومت به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های مجموعه امنیتی در منطقه غرب آسیا توانسته است نظم امنیتی این منطقه را تغییر دهد و منافع آمریکا و متحدانش در منطقه را تضعیف کند.

● باقری و یزدانی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "تبیین منافع و اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در اتحاد راهبردی با حزب‌الله لبنان" معتقدند استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران منجر به ایجاد اتحادی منحصربه‌فرد با حزب‌الله لبنان براساس منافع و ملاحظات اعتقادی و راهبردی شده است. همچنین اتحاد جمهوری اسلامی با حزب‌الله منجر به تأمین منافع راهبردی ایران در ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی شده است. منافع راهبردی حاصل از آن نیز عبارت‌اند از: پیشینه‌سازی قدرت و امنیت، افزایش عمق راهبردی و قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، مقابله با هژمونی رژیم صهیونیستی و آمریکا در خاورمیانه، کاهش ضریب امنیت ملی رژیم غاصب، حفظ محور مقاومت و گسترش شبکه متحدان.

● باقری و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله "تأثیر محور مقاومت در عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران" براساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نشان می‌دهند که محور مقاومت از طریق ایجاد گروه‌های وفادار و تأسیس پایگاه‌های مقاومت در منطقه و افزایش موازنه بیرونی قدرت، ارتقای توانایی موشکی ایران و تقویت موازنه درونی قدرت، افزایش قدرت نظامی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و تضعیف توانایی بازدارندگی و کاهش ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی سبب افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه هلال خصیب شده است.

● عباسی و محمودزاده (۲۰۲۲) در مقاله "تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا" دلایل حمایت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از محور

مقاومت اسلامی را بیان می‌کنند و در چهارچوب نظریه سازه‌انگاری و روش تحقیق توصیفی-تبیینی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران به علت هویت اسلامی، رعایت و اجرای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر حمایت دینی از مسلمانان، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا، باورها، انگاره‌ها و ایستارهای مشترک با گروه‌های مقاومت و همچنین حفظ امنیت و منافع ملی خویش، از محور مقاومت در چهارچوب ایدئولوژی انقلاب اسلامی حمایت کرده است.

اگرچه تحقیقات اشاره‌شده به‌طور مشخص به موضوع این پژوهش نپرداخته است؛ مطالعه و بهره‌برداری از آن‌ها می‌تواند موجب غنای این پژوهش شود.

۲-۱. سوال اصلی پژوهش:

الزامات جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با محور مقاومت (با تاکید بر امنیت ملی) کدام است؟

۲-۲. روش‌های تحقیق و گردآوری اطلاعات:

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی انجام شده و به‌لحاظ نوع نیز این پژوهش، تحقیقی نظری است. ضمناً از پرسشنامه و امکانات کتابخانه‌ای به‌عنوان ابزارهای پژوهش استفاده شده است.

۲-۳. ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف‌گذاری برای فهم الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای تجویزی برای تصمیم‌سازان سیاست خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است. ضرورت انجام این پژوهش نیز به این جهت است که در فضای تنش‌آمیز و پرمنازعه غرب آسیا به درک این مسئله دست یابیم که چگونه می‌توان با استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود، تنش‌ها و مخاطرات امنیتی را کاهش داد و به بهینه‌سازی سطح امنیت ملی کشور در فضای منطقه‌ای پرداخت و به عبارت دیگر تهدیدها را تبدیل به فرصت کرد.

۲-۴. مبانی نظری پژوهش

استفاده از نظریه‌ها، چهارچوب و انسجام ذهنی لازم را برای طرح داده‌های پراکنده در حوزه تحلیلی فراهم می‌کند و این همان کارکرد و دلیل مهمی است که توسعه تحولات نظری را در رشته روابط بین‌الملل رقم زده است. این پژوهش نیز مانند اکثر تحلیل‌های سیاسی بنا و اساس

خود را بر پایه یک نظریه متعارف در روابط بین الملل پیش می برد که در راستای این مهم، نظریه موازنه تهدید استفن والت^۱ از نظریه پردازان واقع گرایی یا واقع گرایی تدافعی^۲ برگزیده شده است، نظریه ای که در کتاب ریشه اتحادها^۳ در سال ۱۹۸۷ برای نخستین بار مطرح شد.

نظریه «موازنه تهدید» والت به عنوان یکی از مهم ترین تحولات شاخه واقع گرایی تدافعی محسوب می شود. براساس نظریه والت، دولت ها اتحادها را در وضعیتی اقتدارگریز برای حفاظت از خودشان شکل می دهند. رفتار دولت ها به واسطه تهدیداتی که آن ها دریافت می کنند تعیین می شود و قدرت دولت های دیگر، تنها جزئی از محاسبات آن ها به حساب می آید. والت نظریه موازنه تهدید خود را در سال ۱۹۸۷ به عنوان اصلاح عمده رویکرد کلاسیک والتز (۱۹۷۹) معرفی کرد. او ابتدا بر موازنه سازی و بندواگن سازی تمرکز کرد، سپس با بی توجهی صرف به قدرت واحدها مانند قابلیت های نظامی یا تهاجمی، با در نظر گرفتن تهدیدها، سهم جدید و مهمی در این نظریه رقم زد. وی معتقد بود که «دولت هایی که تهاجمی تلقی می شوند، احتمالاً دیگران را تحریک می کنند تا علیه خود موازنه برقرار کنند» (Walt, 1987: 25).

والت اشاره می کند که دولت ها، تهدیدات مطرح از سوی دولت های دیگر را به وسیله قدرت نسبی خودشان، نزدیکی، مقاصد و موازنه تهاجمی - دفاعی برآورد می کنند. در نتیجه او فقدان وجود هژمون در نظام را با موازنه دوگانه توضیح می دهد:

این چهار عامل با یکدیگر توضیح می دهند که چرا هژمون های بالقوه ای چون فرانسه ناپلئون، آلمان و ویلهلم و آلمان نازی در نهایت با اتحاد های قاطعی روبه رو شدند: هر یک از این دولت ها، یک قدرت بزرگ بودند که در یک منطقه نزدیک هم قرار می گرفتند و هر یک از آن ها قابلیت های بسیار تهاجمی را با اهداف تجاوزکارانه ترکیب کرده بودند (Walt, 2000: 201).

از آنجاکه موازنه در نظام فراگیر است، والت به این نتیجه می رسد که رفتارهای تجاوزکارانه و تجدیدنظرطلبانه، خودشکننده هستند و «وضع موجود دولت ها می تواند نظری نسبتاً خوش بینانه از تهدیدات ارائه دهد و در یک جهان متوازن، سیاست هایی که منجر به خویشن داری و خیرخواهی می شوند، بهترین سیاست ها هستند» (Walt, 1987: 27).

1. Stephen Walt
2. Defensive Realism
3. The Origins of Alliances

دولت‌ها به تهدیدها واکنش نشان می‌دهند نه به قدرت. نظریه «موازنه تهدید» والت که او در کتاب ریشه اتحادها (۱۹۸۷) توسعه داد، به شدت از این استدلال حمایت می‌کند. به این ترتیب، نظریه «موازنه تهدید» با فرض اصلی نظریه «موازنه قدرت»، که یک اصل اساسی مباحث کلاسیک و نئورئالیستی روابط بین‌الملل است، مخالفت و پیش‌بینی می‌کند که دولت‌ها تلاش می‌کنند از یک هژمون بالقوه با ایجاد موازنه در برابر آن جلوگیری کنند (Waltz, 1979: 118-121). البته خود والتز رویکرد والت را به عنوان کاربرد نظریه موازنه قدرت در سیاست خارجی و نه به عنوان فرمول‌بندی مجدد این نظریه پذیرفته است (Waltz, 1997: 916).

کشورها در برابر منشاء اصلی خطر یا به سمت موازنه روی می‌آورند یا اینکه سیاست همراهی یا بندواگنی با دولت و قدرتی که تهدید اصلی را اعمال می‌کند در پیش می‌گیرند. از این رو، این دو گزاره، دو تصویر کاملاً متمایز را ترسیم می‌کنند: اول اینکه سیاستی که به دنبال تبعیت و پیروی از منشاء تهدید است و دوم سیاست موازنه با منبع تهدید. در حالت ساده و بدیهی، سیاست موازنه امنیت بیشتری خلق می‌کند، زیرا عامل تهدید در برابر اتحادی از دولت‌ها مواجه می‌شود (Walt, 1985: 4). در این توضیح، یکی از وجوه تمایز نظریه موازنه تهدید والت با موازنه قدرت والتز مستتر است، اینکه دولت‌ها در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صرفاً برقراری موازنه قدرت را دنبال نکنند و گاهی اوقات امکان دارد سایر دولت‌ها به ائتلاف با قدرت مسلط بپیوندند. اساساً ملحق شدن به قدرت مسلط در مقابل موازنه با قدرت یا قدرت‌هایی است که برای کسب هژمونی تلاش می‌کنند (Walt, 1987: 36).

همان‌طور که اشاره شد، یکی از اصول نظریه موازنه تهدید والت، این فرض است که کشورها در برابر قدرت‌هایی اتحاد را شکل می‌دهند که منشاء بیشترین تهدید به‌شمار می‌آیند و به این ترتیب، امکان دارد که آن منشاء تهدید الزاماً قوی‌ترین تهدید محسوب نشود. به عبارت دیگر، دولت‌ها موازنه‌سازی در برابر هر قدرتی را پیگیری نمی‌کنند، بلکه آن‌ها برقراری موازنه در برابر قدرتی هستند که فزونی قدرت آن، تهدید تلقی می‌شود. برای نمونه، فزونی قدرت ایالات متحده آمریکا در سراسر دوران جنگ سرد برای کانادا مسئله روشنی به‌شمار می‌آمد، اما کانادا هیچ‌گاه برای موازنه‌سازی در برابر قدرت آمریکا حرکت نکرد، زیرا این کشور فزونی قدرت ایالات متحده را تهدید تلقی نمی‌کرد، اما در همان زمان کشورهایمانند کوبا برخلاف کانادا برداشت تهدیدآمیز از افزایش قدرت آمریکا تلاش داشتند با توسعه اتحادها و ائتلاف‌ها با اتحاد جماهیر شوروی در برابر آن موازنه برقرار کنند. به این ترتیب، تلاش‌های متمایز کانادا

و کوبا در برابر ایالات متحده آمریکا را نمی‌توان بر مبنای اصل موازنه قدرت تحلیل کرد، اما با رویکرد موازنه تهدید می‌توان اقدامات آن‌ها را توضیح داد (Ikenberry, 2004: 17-19).

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که هر میزان تهدیدات خارجی بیشتر باشد، به همان میزان انگیزه اتحاد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، ایجاد سطوح مختلف اتحاد، بیشتر با اندازه خطر تهدید مشترک دارای ارتباط بی‌واسطه و مستقیم است. تبدیل کردن موازنه به هنجارها، یکی از عوامل فزونی امنیت در نظام موازنه تهدید به‌شمار می‌آید. این بدان معناست که اگر زمانی موازنه به وجود می‌آید، اصولی که بر مبنای آن موازنه برقرار شده است، تبدیل به اصولی هنجاری بین بازیگران حاضر در اتحاد شود، آن موقع است که می‌توان انتظار داشت که موازنه فوق به سطح اتحاد راهبردی برسد. از آنجاکه اتحادها واکنشی در برابر تهدیدات امنیتی به‌شمار می‌آید، کشورها در قبال آن دسته از کشورهایی به موازنه روی می‌آورند که تهدید فوری در برابر بقا یا منافع آن‌ها ایجاد کنند و بر این اساس، می‌توانند به‌واسطه بسیج نیروهای داخلی و شکل‌دهی به اتحادهای موقت میان دولت‌های در معرض تهدید، در برابر تمرکز قدرت تهدیدآمیز اقدام کنند (Walt, 1987: 11).

۲-۵. جامعه آماری و حجم نمونه

با عنایت به تخصصی بودن موضوع و لزوم آشنایی اعضای جامعه آماری با مباحث مربوط به محور مقاومت، جامعه آماری پژوهش حاضر را پژوهشگران (مقیم و مهمان) و اعضای هیئت علمی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی سطح شهر تهران به تعداد ۶۰ نفر تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۵۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند.

ردیف	مرکز تحقیقاتی	جامعه آماری	حجم نمونه
۱	پژوهشکده مطالعات راهبردی	۶	۴
۲	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب	۲۹	۲۴
۳	دانشگاه علوم و فنون فارابی و مرکز مطالعات کاربردی فارابی	۱۷	۱۷
۴	مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه	۸	۵
جمع		۶۰	۵۰

۲-۵-۱. مفاهیم و اصطلاحات

مقاومت اسلامی: مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آن‌ها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارایی‌ها مطابق آموزه‌ها و احکام دین است. عدالت محوری، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است. مقاومت درونی مبارزه با امیال نفسانی و مقاومت بیرونی مبارزه با تجاوز، تهاجم و اشغالگری است (Mirghaderi, 2012: 70).

محور مقاومت: محور مقاومت نوعی ترتیبات امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر موازنه تهدید و با ویژگی‌های ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و شامل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی ایران، عراق (نه در همه زمان‌ها) و امروز یمن (تحت حکومت انصارالله یا حوثی‌ها) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان، جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین، زینبیون پاکستان، فاطمیون افغانستان، حشدالشعبی عراق و برخی گروه‌های کوچک‌تر مقاومت اسلامی) است که دارای منافع و علایق مشترک ملی و فراملی، ایدئولوژیک و هستی‌شناختی هستند. این کنشگران دولتی و غیردولتی تحقق حقوق مستضعفان و مبارزه با مستبدان را دنبال می‌کنند و اهدافشان، تأمین مصالح جهان اسلام، پیگیری علایق و تضمین امنیت مشترک و جمعی مسلمین و جوامع اسلامی است (Ba-gheri Nejad & Ghasemi, 2021: 118).

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی و غیردولتی است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقل و مقاومت محور خود، نظام سلطه با محوریت ایالات متحده آمریکا را نقد کنند (Rezakhah, 2013: 1).

در واقع آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است. زبان سیاسی مقاومت اسلامی را می‌توان انعکاس ظهور ادبیات اسلامی در روابط و سیاست بین‌الملل دانست (postinchi, motaghi, 2011: 1).

امنیت: امنیت به مفهوم رهایی از ترس و خطر و احساس دوری از هرگونه تهدید، یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها در آغاز زندگی بوده است. امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد (Gerosi, el,at, 2007: 26).

امنیت را به اشکال گوناگونی تعریف کرده‌اند، برخی آن را مصونیت از تعرض و اجبار دانسته‌اند و بعضی هم آن را نهراسیدن افراد از حقوق و آزادی‌های مشروع خود و به مخاطره نیفتادن آن‌ها می‌دانند (Glezal, 1997: 33)

امنیت ملی: امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ کند. آرنولد و لفرز می‌گویند: امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد. رابرت ماندل می‌گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (Mandel, 2008: 65).

الزامات: باید و نبایدها. الزامات در حقیقت تبدیل نیاز ذینفعان به یک قابلیت کاربردی برای دستیابی به اهداف است. در واقع الزامات شروطی الزامی برای رفع نیاز هستند (Dehkoda, 1998).

۲-۵-۲. جایگاه محور مقاومت در نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا:

تحلیل عمیق از منطقه غرب آسیا حکایت از آن دارد که منطقه مزبور در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود فاقد ظرفیت لازم برای بهره‌مندی از نظامی نهادینه بوده است. در هر دوره تاریخی از نظم جهانی، مرزهای سیاسی و راهبردی غرب آسیا از دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای تأثیر جدی گرفته و دچار تحولات اساسی شده است. در طول دو قرن گذشته، منطقه غرب آسیا در مقایسه با سایر مناطق نظام بین‌الملل در معرض سیاست‌های قدرت بزرگی بوده است و این تجربه سیاسی، اساس و بنیان اکثر تحولات، رفتارها و کنش و واکنش‌های موجود در این منطقه به‌شمار آمده و از تأسیس نظامی منطقه‌ای و باثبات جلوگیری به عمل آورده است (Dehshi-ri and Maghami, 2016: 158). افزایش سطح تهدیدات، تداوم درگیری‌ها و سطح بحران‌ها، ظهور وضعیت شکننده در سطح منطقه غرب آسیا، اتحاد، ائتلاف‌ها و حتی جناح‌بندی موقت، تکامل نیافتن فرایند دولت-ملت‌سازی در سطح کشورهای این منطقه، جنگ نابرابر، نبود توازن میان قدرت و ناهم‌ترازی قدرت بازیگران درگیر در سپهر سیاسی و امنیتی این منطقه به‌طور کلی، وضعیت شکننده‌ای در موضوع نظام ترتیبات امنیت منطقه غرب آسیا شکل داده است. نظام منطقه‌ای غرب آسیا به‌ویژه پس از خیزش‌های عربی به سمت چندقطبی-رقابتی حرکت کرده است و در آن تعدادی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با یکدیگر رقابت می‌کنند. مدل

ایرانی، خود را در تقابل با آمریکا و رژیم صهیونیستی و در قالب محور مقاومت معرفی می‌کند. مهم‌ترین محورهای اتحاد و ائتلاف در برابر ایران به شرح زیر است:

الف- ائتلاف کشورهای عربی با عربستان سعودی

عربستان سعودی و سایر دولت‌های عربی افزایش قدرت و نفوذ ایران در سطح منطقه را تهدیدی روبه‌رشد علیه خود تلقی می‌کنند که این نگرانی همراه با نفوذ و افزایش قدرت در عصر پساصدام بیشتر شده است. البته این ائتلاف جدا از نگرانی از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران، به توسعه قدرت و نفوذ یکدیگر نیز تردید و حساسیت دارد. در این ائتلاف، عربستان سعودی تلاش دارد نفوذ منطقه‌ای خود را در منطقه غرب آسیا افزایش دهد. این کشور در طول سالیان گذشته در محورهای مختلف در مقابل ائتلاف‌سازی نیروهای مقاومت و جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. این کشور با برگزاری نشست‌های گوناگون درون منطقه‌ای عربی و حتی جهانی، اقدامات خود را با ائتلاف سازی در ترتیبات امنیتی غرب آسیا شکل داده است (Ahmadzadeh, 2015: 75). امارات متحده عربی، بحرین، اردن و مصر عناصر دیگر این ائتلاف به‌شمار می‌آیند. به‌طورکلی، ائتلاف عربستان به دنبال ایجاد نظم منطقه‌ای با حضور رژیم صهیونیستی و انزوای ایران و محور مقاومت است. (Salavatian, 2015: 145).

ب- ائتلاف ترکیه و قطر با جریان‌های اخوانی منطقه

رقابت بین ترکیه و ایران یکی از قدیمی‌ترین بازی‌های قدرت در غرب آسیا به‌شمار می‌آید. با پایان جنگ سرد و ظهور جریان اسلام‌گرایی در عرصه سیاسی و تغییر باور حاکمان کشور ترکیه، اکنون این کشور به کنشگری فعال در عرصه سیاسی و امنیتی غرب آسیا تبدیل شده و رقیب منطقه‌ای مهمی در برابر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت شکل داده است (Gholizadeh & Kaffash, 2013: 108). یکی از موضوعاتی که ترکیه در طی دو دهه اخیر توجه جدی به آن داشته؛ گفتمان محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیاست. امروزه اسلام سیاسی که ائتلاف اخوانی به رهبری ترکیه را در منطقه ترغیب می‌کند، منافع ملی ایران و محور مقاومت را در جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند. از آنجاکه ایران خواهان سیاست اتحاد و ائتلاف با کشورها و گروه‌های سیاسی در منطقه از جمله سوریه، حزب‌الله، حماس و گروه‌های شیعی در عراق در چهارچوب محور مقاومت است، با اصول دکترین نوعثمانی‌گری منفعتمحور ترکیه رقابت دارد. نوعثمانی‌گری ترکیه که خواهان میانجی‌گری و حفظ ظاهر بی‌طرفی در غرب آسیاست، منافع

ملی ایران را در این منطقه تهدید می‌کند. این تهدیدات به دلایل امنیتی و راهبردی از رودرویی مستقیم بین این دو قدرت جلوگیری کرده، اما با این حال، مانع از رقابت بین دو کشور در غرب آسیا از جمله عراق و سوریه نشده است (Azimzadeh Ardabili, at. al. 2017: 116).

ج- ائتلاف رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی

برنامه هسته‌ای ایران مهم‌ترین نگرانی اسرائیل است، زیرا این مسئله نه تنها از یک سو انحصار هسته‌ای این رژیم را در منطقه به چالش می‌کشد و می‌تواند باعث تشویق کشورهای عربی برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای شود، بلکه به صورت بالقوه موجودیت خود اسرائیل را نیز تهدید می‌کند، از این رو فعالیت‌هایی که اسرائیل برای مقابله با این تهدید انجام می‌دهد، پیامدهای مستقیمی برای منطقه دارد بنابراین درگیری این رژیم با ایران یک مسئله مهم منطقه‌ای است که افزایش آن می‌تواند باعث تغییر موازنه قدرت شود (Ehteshami, 2014: 45).

ضمن اینکه پیوستگی و نیاز متقابل انقلاب اسلامی و محور مقاومت، وضعیت جدیدی در مؤلفه‌های قدرت فراملی شکل داده است و چهارچوب‌های امنیتی منطقه غرب آسیا را دچار دگرگونی و به‌ویژه امنیت رژیم صهیونیستی را به‌عنوان واحدی غیرمشروع و عامل استعمار زیر سوال برده است بنابراین رژیم صهیونیستی به همراه کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا و انگلیس، همواره ایران و محور مقاومت را به‌عنوان تهدید جدی برای خود تلقی می‌کنند (Karimi, 2017: 6).

د- ائتلاف فرامنطقه‌ای آمریکا با کنشگران غرب آسیا

آمریکا از توسعه نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نگرانی جدی دارد که در این راستا، حفظ امنیت و الگوی سیاسی در کشورهای پادشاهی متحد عرب و رژیم صهیونیستی به‌عنوان متحد راهبردی خود را حیاتی می‌داند. علاوه بر این، تقابل با ایران هسته‌ای، مهار جبهه مقاومت و تغییر توازن قدرت در منطقه به ضرر جمهوری اسلامی ایران سبب شده است که سه قدرت عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و آمریکا، سیاست‌های یکسانی را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران دنبال کنند (Abbasi & Hamidfar, 2020: 6).

یکی از انگیزه‌های اصلی آمریکا برای کنترل بیشتر بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نگرانی از امنیت اسرائیل است. در حال حاضر، ایران به لحاظ فناوری و سامانه‌های موشکی به وضعیتی

رسیده که به راحتی می تواند این رژیم را هدف قرار دهد. به علاوه آمریکا و رژیم اسرائیل از این نگران اند که با توسعه قدرت نظامی ایران و در نهایت رسیدن به سلاح هسته ای، گروه های مقاومت نیز در آینده به سلاح هسته ای مجهز شوند (Ghanbarloo, 2018: 157).

۳. الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی ایران

۳-۱. توسعه رویکرد چندبرداری به محور مقاومت

از آغاز بحران در کشورهای حوزه مقاومت به ویژه با وقوع جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ تا به امروز، نگاه تک بعدی امنیتی بر دیگر نگاه ها در سیاست خارجی ایران در منطقه غالب بوده است. بحران و وضعیت حساس دولت ها و نیروهای عضو محور مقاومت باعث شده جمهوری اسلامی ایران نتواند دیدگاه متوازن امنیتی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد و این به آن معناست که آنچه در حال حاضر در تنظیم روابط سیاسی میان ایران و این منطقه در دست اقدام است، تنها در دست نیروهای امنیتی و نظامی است، اما از این نظر که این یک راهبرد بلندمدت مؤثر است، جای سوال وجود دارد (Cohen & Shamci, 2022). همچنین تناقضات در اولویت ها و راهبرد محور مقاومت در صحنه عراق، گاهی نیز نفوذ آن را محدود می کند (Hansen & Henningsen, 2022).

در این راستا، یکی از مهم ترین الزامات جمهوری اسلامی ایران در آینده محور مقاومت، توسعه سویه های دیگر قدرت خود در این منطقه و به اصطلاح چندبردارسازی آن است. در اینجا به جای اینکه جنبه تهدیدزای محور مقاومت برای محور عبری و عربی صرفاً قدرت نظامی و تصور تهدید ناشی از آن باشد، بایستی قدرت اقتصادی و ابزارهای فرهنگی و روانی قدرت محور مقاومت برای دشمنان و رقبای منطقه ای تصور تهدید ایجاد کند.

۳-۲. اتخاذ ابتکارات سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا

تأمین جایگاه مناسب برای ایران در سیستم امنیتی آینده غرب آسیا مستلزم هم افزایی و چانه زنی با کنشگران منطقه ای است. هم اکنون با فضای فشار حداکثری دولت پیشین آمریکا و همراهی جبهه عبری و عربی منطقه با آن، به طور گسترده در عرصه منطقه ای و فرامنطقه ای نوعی همگرایی به وجود آمده است که هر نظام امنیتی معتبر در غرب آسیا بنا به تعریف باید علیه ایران ساخته شود نه همراه با ایران، جمهوری اسلامی ایران اصلاً متعلق به منطقه نیست، یک نیروی بیرونی در منطقه است و باید به نحوی از غرب آسیا اخراج شود، همان طور که باید

دست نیروهای محور مقاومت از غرب آسیا کوتاه شود. این همان تصویرسازی تهدیدآفرین و ایران‌هراسی است که دستگاه فرهنگی و رسانه‌های دشمن و رقیب، از ایران ترویج می‌کند؛ موضوعی که می‌تواند موازنه را علیه منافع ایران و محور مقاومت بسیج کند. در این راستا، یکی از ملزومات جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت و سیاست همسایگی این است که به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای، با حل مشکلات امنیتی و سیاسی با همسایگان، جستجوی راه‌حل‌های متوازن برای درگیری‌های پیچیده منطقه‌ای و اجتناب از اقداماتی که خطر تشدید ناخواسته تنش را افزایش می‌دهد، موضع سازنده‌ای در شکل‌گیری ابتکارات امنیتی منطقه‌ای داشته باشد. در این راستا اقدامات زیر قابل انجام است:

۱-۲-۳. پیشنهاد ترتیبات جدید برای نظم منطقه‌ای

منطقه غرب آسیا در دهه‌های گذشته تغییرات شدیدی را تجربه کرده است. از آنجاکه جهان در حال تجربه گذار در سطوح مختلف است، غرب آسیا نیز با مجموعه جدیدی از واقعیت‌ها، از جمله ظهور توازن قوا بین بازیگران منطقه‌ای قدیمی و در حال رشد مواجه است. از آنجاکه درگیری‌ها و تحولات جدید در منطقه بروز می‌کند و به مناقشات حل‌نشده موجود اضافه می‌شود، نیاز فوری به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای جامع و فراگیر قابل اجرا وجود دارد که منعکس‌کننده پارامترهای روابط قدرت جدید در منطقه و همچنین منافع جمعی باشد (Khatibzadeh, 2020: 1).

برای مثال، ابتکار صلح هرمز برای برقراری امنیت در منطقه، از جمله خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان از اقدامات پیش‌دستانه ایران برای ترتیبات نظم منطقه‌ای بوده است. هدف این طرح مشارکت همه کشورهای منطقه به دور از مداخله نیروهای خارجی بود. طرح جدی این ابتکارات، سیاست خارجی ایران را عمل‌گرایانه نشان می‌دهد، در عین حال که در چهارچوب نهاده‌شده گفتمان انقلابی‌اش عدول نمی‌کند. چنین ابتکارات گفتمانی و عملی ایران در تعامل سازنده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، دیدگاهی جایگزین در روابط جمهوری اسلامی و خلیج فارس ارائه می‌شود. این راهبردهای متقاعدسازی گفتمانی ملزوماتی با هدف اعتمادسازی و بهبود مشروعیت ایران در منطقه است (Glombitza & Zaccara, 2021: 15).

۲-۲-۳. اتحاد منطقه‌ای متقابل کارآمد بر بستر موازنه تهدید

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت مطرح در میان جهان اسلام و منطقه خاورمیانه، با

کنش‌های اعتمادساز به‌ویژه در سطح نخبگان سیاسی می‌تواند از طریق دیپلماسی فعالانه‌تر، بستر لازم را برای پل زدن بر فراز جزایر دور از هم و اتحاد راهبردی میان دولت‌های اسلامی منطقه فراهم سازد. در کنار کشورها، گروه‌ها و جنبش‌های اصول‌گرای اسلامی نیز به سیاست‌های همراهی و بندواگنی (Bandwagoning) روی خواهند آورد و نیز می‌توان از حمایت نهادها و سازمان‌های قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار شد. درنهایت، دولت‌های اسلامی منطقه برای حل پایدار و برون‌رفت از این بن‌بست، چاره‌ای جز تحمل ناامنی‌های موجود با پیوستن به اتحاد منطقه‌ای متقابل تحت عنوان «موازنه تهدید» نخواهند داشت (jafari, 2013: 30)

۳-۲-۳. پیشنهاد ترتیبات نهادی و همگرایی منطقه‌ای در محور مقاومت

تشکیل اتحادیه‌ای متشکل از کشورهای محور مقاومت (ایران، عراق و یمن) برای پیگیری و تسریع در بازسازی، توسعه و پیشرفت اقتصادی- رفاهی این کشورها سبب افزایش مقبولیت اجتماعی و همکاری‌های گسترده با یکدیگر خواهد شد. علاوه بر این، وجود اشتراکات بسیار میان دولت‌ها و مردم کشورهای محور مقاومت می‌تواند ریسمان پیوند این کشورها با یکدیگر را روز به روز مستحکم‌تر کند.

۳-۲-۴. همراه‌سازی چین و روسیه در نظم منطقه‌ای

به‌رغم مزیت بالای همگرایی و ترتیبات امنیتی دسته‌جمعی با همکاری کشورهای منطقه، سیستم جامع امنیت جمعی در غرب آسیا به‌زودی ظاهر نخواهد شد. در این راستا، اشتراک دیدگاه‌های چین و روسیه با ایران در مورد لزوم ترتیبات منطقه‌ای بدیل، یک دستاورد مهم و پیام روشن برای رقبا و مخالفان فعلی در منطقه خواهد بود. همان‌طور که ایران توانست در سال ۲۰۱۵، روسیه را وارد بحران سوریه کند بنابراین می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های خود برای هماهنگی و نزدیکی بیشتر میان تهران، مسکو و همین‌طور پکن بهره‌برداری کند.

۴-۲. مقابله با سناریوهای تهاجمی دشمن

تهدید، عنصر ثابت ترتیبات امنیتی و موازنه حاکم بر تعاملات ایران و محور مقاومت در مقابل دشمنان و رقبای منطقه‌ای است. برای مقابله با تهدیدات چالش‌برانگیز دشمنان و رقبای منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی، ضروری است که راهبردهای مطلوب و متوازنی از جانب کشورمان اتخاذ شود تا از این رهگذر تهدید خاصی امنیت وجودی جمهوری اسلامی ایران را با خطر

مواجه نکند. در این راستا اقدامات زیر قابل انجام است:

۴-۲-۱. توسعه راهبرد ضددسترسی و منع منطقه‌ای ایران در مقابل تهدیدات

در طول سال‌های آینده، گسترش فناوری‌های نظامی پیشرفته به سایر دولت‌ها اجازه می‌دهد تا راهبردهای ضددسترسی/منع منطقه‌ای را متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد جغرافیایی و ژئواستراتژیکی مناطق خود دنبال کنند. جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه روی قابلیت‌های جدیدی سرمایه‌گذاری کرده است که می‌تواند برای بازدارندگی، به تأخیر انداختن یا جلوگیری از عملیات نظامی مؤثر ایالات متحده در خلیج فارس استفاده شود. دستیابی ایران به تسلیحاتی که می‌تواند برای ممانعت از دسترسی به خلیج فارس، کنترل جریان نفت و گاز از منطقه و انجام اقدامات نظامی فعالانه باشد، نگرانی و تهدید شدید ایالات متحده و شرکای امنیتی آن را به همراه دارد (Gunzinger and Dougherty, 2011: 98).

۴-۲-۲. توسعه راهبرد جنگ نامتقارن

با توجه به نبود تعادل بین تهدیدها و منابع از چند دهه قبل، ایران مجبور به اتخاذ راهبرد جنگ نامتقارن شده است و این موضوع عامل کلیدی راهبرد نظامی ایران در دوره معاصر را شکل می‌دهد. در این راستا، ضرورت دارد که ایران برای دستیابی به دستاوردهای تاکتیکی نسبت به سلاح‌های پیچیده‌تر رقبا و کشورهای متخاصم، بر توسعه جنگ نامتقارن تکیه کند. ایران با شناخت محدودیت‌های قابلیت‌های نظامی منظم خود، باید به رویکردهای نامنظم برای ایجاد بازدارندگی نظامی خود متوسل شود. این ملاحظات راهبردی چندلایه، ایران را برای بازدارندگی از اقدام نظامی علیه ایران، به‌ویژه حمله آمریکا، از طریق افزایش هزینه جنگ برای دشمنانش شکل خواهد داد. ایران با استفاده از توسعه قدرت موشکی، پهپاد، زیردریایی و مین، بر دستیابی به قابلیت‌های مورد نیاز تمرکز کند و از رویکرد جنگ هیبریدی و عناصر متعارف و غیرمتعارف استفاده کند. پس یکی از ملزومات اساسی سیاست منطقه‌ای ایران این است که همچنان دکترین نظامی‌اش برای جبران عقب‌ماندگی قدرت فناوری نظامی خود، بر ضرورت اجتناب یا جلوگیری از درگیری متعارف و در عین حال پیشبرد منافع امنیتی خود در منطقه، از طریق تبلیغات، جنگ روانی و بده‌بستان‌های نیابتی تأکید کند.

نکته‌ای که نباید در تعاملات دیپلماتیک ایران از نظر دور داشت، این مسئله است که با

عنایت به نقش فزاینده محور مقاومت در راهبرد جنگ نامتقارن و بازدارندگی ناهمتر از جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد که در تعاملات و بده‌وبستان‌های آتی و چانه‌زنی با غرب، کاهش فشارها بر گروه‌های مقاومت در دستور کار قرار گیرد. (vazirian, 2021: 111)

۲-۳. تقویت زنجیره تأمین نظامی متحدان منطقه‌ای

کسب جایگاه و منزلت شناخته‌شده در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی ایران بسیار مهم‌تر از تصاحب سرزمین است. برای این منظور، ایران از صادرات تسلیحات و فناوری‌های نظامی مناسب برای میدان نبرد برای گسترش نفوذ خود، مقابله با قدرت ایالات متحده و متحدانش و بهبود و تحکیم جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای استفاده کند. برای مثال، شرکت‌های صنعتی و تجاری در داخل و خارج از ایران برای ارائه تسلیحات و پشتیبانی لجستیکی به نیروهای مقاومت و تعمیق زنجیره تأمین منطقه‌ای وارد شوند. در زمینه ساخت هواپیمای بدون سرنشین، موشک‌های بالستیک، شناورهای دریایی، فناوری نظامی و سایر مواردی که برای تقویت این شبکه نیاز است، فعالیت شرکت‌های واسطه در ذیل فروش سوخت ایران، انتقال وجوه برای حمایت از فعالیت‌های خارجی، خرید نظامی، ارسال آنها به منطقه را بر عهده گیرند. لازم است شرکت‌های واسطه غیرایرانی توسط بازرگانان و بازرگانان وابسته به گروه‌های وفادار به ایران در لبنان، عراق و یمن رهبری شوند و به‌عنوان اشخاص ثالث برای خدمت به شرکت‌های صنعتی و تجاری ایرانی عمل کنند.

۲-۴. بسط قدرت سایبری نیروهای مقاومت

اگر ایران به دنبال تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا و جانشینی نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه باشد، تقویت قابلیت‌های سایبری جنبش‌ها و سازمان‌های حامی ایران در این منطقه ابزاری نامتقارن دیگر برای این کشور خواهد بود. در این راستا لازم است که ایران با ارائه آموزش و فناوری، بر گسترش عملیات سایبری خود به فعالیت شبه‌نظامیان در منطقه تأکید کند. استفاده از گروه‌های مقاومت در جنگ سایبری با پنهان کردن عملیات سایبری ایران و در نظر گرفتن ابهام این گونه اقدامات، به ایران کمک می‌کند تا قابلیت انکارپذیری را حفظ و در نتیجه از تشدید احتمالی حملات علیه خود جلوگیری کند (Ander-son and Sadjadpour, 2018: 56).

۴-۲-۵. اتخاذ اقدامات عملیاتی مقابله با تهدیدات

از آنجاکه سطح بررسی تهدیدات محور مقاومت بسیار بالا رفته است، سنخ و ماهیت تصمیمات دشمنان و رقبای منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای در قبال جمهوری اسلامی ایران کاملاً متمایز از دهه‌های گذشته شده است که نشان از فوریت و اهمیت تهدید ایران نزد دستگاه تصمیم‌ساز آن‌ها دارد. در این راستا -دستگاه تصمیم‌ساز- تصمیمات دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با استفاده از حداکثر توان به اهداف ایرانی حمله مستقیم می‌کند. با عنایت به این تحولات و در راستای هرچه کاربردی‌تر شدن، پیشنهادهای عملیاتی‌تر به‌عنوان الزامات تعمیق راهبرد ایران در محور مقاومت در ذیل می‌آید:

- تشکیل مرکز فرماندهی: تشکیل قرارگاه یا مرکز فرماندهی در رده ستاد کل نیروهای مسلح یا شورای امنیت ملی جهت افزایش سرعت عمل در کنش و واکنش‌ها در مقابله با تهدیدات وجودی دشمن و رقبای منطقه‌ای علیه محور مقاومت اهمیت دارد.
- افزایش سطح بررسی تهدیدات از عملیاتی به راهبردی: ضرورت دارد که سطح بررسی تهدیدات در کشورمان از طبقه عملیاتی به راهبردی ارتقا یابد. این امر نیازمند بررسی راهبردی همه‌جانبه ابعاد مختلف تهدید رژیم صهیونیستی برای ایران است.

۵-۲. عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و منطقه و الزامات پیش‌روی محور مقاومت

توسعه روند عادی‌سازی مناسبات رژیم اشغالگر قدس و کشورهای منطقه، تهدید بسیار مهمی در برابر راهبرد محور مقاومت تلقی می‌شود و یکی از ملزومات جمهوری اسلامی ایران، مقابله با این تهدید بنیادین است. در این رابطه، مهم‌ترین موضوعی که باید مدنظر قرار داد، تغییر تصویر و چهره رژیم صهیونیستی در منطقه است. همان‌طور که استدلال می‌شد، فشارهای داخلی، منطقه‌ای و سیستمی که رهبران دو کشور را تحت تأثیر قرار داد، عامل مهمی در اعلام عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی بوده است، اما با وجود این، این پویایی‌های موجود در مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا بوده که رهبران این دو کشور را به اتخاذ این تصمیم جسورانه واداشته است (Fulton & Yellinek, 2021: 499). مهم‌ترین عامل در پروژه عادی‌سازی روابط، احساس تهدید مشترک از ناحیه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان راس محور مقاومت است بنابراین رژیم صهیونیستی با این اقدام سعی دارد

پازل‌های راهبرد خود مبنی بر تهدید و مهار ایران را تکمیل کند و در نتیجه بازی قدرت میان تهران و تل‌آویو را به نفع خود به پایان رساند.

۴. چهار چوب مفهومی تحقیق

در راستای دستیابی به هدف تحقیق حاضر مبنی بر «الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مبتنی بر مباحث مطروحه در ادبیات تحقیق، نهایتاً محققان به شش عامل ذکر شده در شمای زیر دست یافتند:



پس از آن پرسشنامه‌ای شامل ۴۳ سوال تدوین شد که هر سوال شامل ۵ گزینه (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) بوده است. از ۵۰ برگ پرسشنامه جمع‌آوری شده (مطابق با حجم نمونه)، ۵۰ پاسخ به دست آمده است. از میان پاسخ‌های دریافتی، تعداد گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد و متوسط، کم و خیلی کم به ترتیب ۳۳، ۱۰ و ۷ پاسخ بوده است. از لحاظ ارزشی برای تحلیل آماری نیز گزینه‌های خیلی زیاد- زیاد و متوسط- کم و خیلی کم به ترتیب ۵، ۴ و ۳ در نظر گرفته شده‌اند.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

جدول ۱. توزیع فراوانی گزینه‌های مربوط به فرضیه

فراوانی تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ارزش گزینه‌ها
۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۱۰	۳/۰۰ معتبر
۸۶/۰	۶۶/۰	۶۶/۰	۳۳	۴/۰۰
۱۰۰/۰	۱۴/۰	۱۴/۰	۷	۵/۰۰
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۵۰	کل

داده‌های جدول ۱ (توزیع فراوانی) نشان می‌دهد که ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان در حد زیاد و خیلی زیاد نسبت به محتوای سوالات تجمیع‌شده مربوط به الزامات راهبردی محور مقاومت، برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نظر مساعدی دارند. اطلاعات تصویری در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. اطلاعات تصویری توزیع فراوانی گزینه‌های مربوط به فرضیه

جدول ۲ فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار مربوط به الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۲. فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار مربوط به الزامات راهبردی محور مقاومت

ارزش	فراوانی‌های مشاهده شده	فراوانی‌های مورد انتظار	باقی مانده
۳/۰۰	۱۰	۱۶/۷	-۶/۷
۴/۰۰	۳۳	۱۶/۷	۱۶/۳
۵/۰۰	۷	۱۶/۷	-۹/۷
Total	۵۰		

جدول ۳. آماره‌های آزمون خی دو

فرض	
ارزش خی دو	۲۴/۲۸۰ ^a
درجه آزادی	۲
سطح معنی داری	۰۰۰.

در همین راستا داده‌های جدول ۳ (آزمون خی دو) نیز حاکی از آن است که ارزش خی دو مشاهده‌شده (۲۴/۲۶) با درجه آزادی (۲) از ارزش خی دو بحرانی (۱۳/۲۸) در سطح ۰/۰۱ >P بزرگ‌تر است، در نتیجه چنین استنباط می‌شود که درصد محاسبه‌شده برای سوالات مربوط به الزامات چندپدارسازی محور مقاومت با تاکید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. به عبارتی ۸۰ درصد معتقدند که متغیرهای مطرح‌شده در سوالات تجمیع‌شده مربوط به الزامات راهبردی محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حد زیاد و خیلی زیاد نقش دارند. در جدول ۴ به‌طور مشخص سهم هر متغیر به تفکیک ذکر شده است.

جدول ۴. میانگین‌های رتبه‌ای هر یک از الزامات احصاشده

میانگین رتبه‌ای	الزامات راهبردی محور مقاومت
۳/۳۸	مقابله با سناریوهای تهاجمی دشمن
۳/۴۴	اتخاذ ابتکارات سیاسی و امنیتی
۲/۹۹	حساس بودن نسبت به عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی
۲/۹۳	تعمیق همگرایی اقتصادی
۳/۸۸	نهادینه‌سازی محور مقاومت
۴/۳۸	چند وجهی‌سازی محور مقاومت

جدول ۵. آماره‌های آزمون فریدمن

۵۰	تعداد
۲۸/۱۶۱	ارزش آماره
۵	درجه آزادی
۰۰۰.	سطح معنی‌داری

داده‌های جداول ۴ و ۵ نشان می‌دهد که از ۶ متغیر احصاشده مربوط به الزامات راهبردی با محور مقاومت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب متغیر چند وجهی‌سازی محور مقاومت (با ارزش رتبه‌ای ۴/۳۸)، متغیر نهادینه‌سازی محور مقاومت (با ارزش رتبه‌ای ۳/۸۸)، متغیر مقابله با سناریوهای تهاجمی دشمن (با ارزش ۳/۳۸)، متغیر اتخاذ ابتکارات سیاسی و امنیتی (با ارزش رتبه‌ای ۳/۴۴)، متغیر حساس بودن نسبت به عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی (با ارزش رتبه‌ای ۲/۹۹) و متغیر تعمیق همگرایی اقتصادی (با ارزش رتبه‌ای ۲/۹۳) به ترتیب از بیشترین و کمترین ارزش‌های رتبه‌ای برخوردار هستند که این ارزش‌های رتبه‌ای با میزان آماره محاسبه‌شده (۲۸/۱۶) و درجه آزادی ۵ در سطح $P < 0/01$ معنی‌دار هستند بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده فرضیه تحقیق نیز تایید می‌شود.

۶. نتیجه گیری

در بازه زمانی بیش از چهار دهه‌ای، ج.ا.ا موفق شده با تعمیق مراودات راهبردی و تقویت مناسبات سیاسی، امنیتی و نظامی با گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و گروه‌های شیعه عراقی در قالب محور مقاومت، عمق راهبردی خود را فراتر از مرزهای کشور گسترش دهد. در این راستا، ایران در دو دهه اخیر در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلفی علیه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن وارد عمل شده است، به طوری که شاید بتوانیم بگوییم که هم‌اکنون هیچ «تهدید وجودی» صریح‌تر، شفاف‌تر و خطرناک‌تر از تهدیدات ایران علیه امنیت، بقا و موجودیت آن‌ها وجود ندارد. هم‌اکنون در سطح راهبردی، چشم‌انداز تخاصمی و دشمنی محور عبری و عربی از ایران از ادراک «کنترلی» به «تهاجمی» تغییر یافته است و در سطح تاکتیکی و اجرایی در بعد ابزارهای سخت به حمله مستقیم به اهداف ایرانی روی آورده‌اند. در بعد نرم، آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور با به‌کارگیری ظرفیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی خود، همچنین لابی و نفوذ در کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای، برنامه تقابلی خود با ایران را پیش می‌برند. در لایه‌های نیمه سخت نیز با استفاده از تحریم و فشارهای اقتصادی و اقدامات سیاسی نظیر معامله قرن، توافق صلح ابراهیم و تعمیق مناسبات با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تغییر ائتلاف‌ها و آرایش‌های منطقه درصدد افزایش قدرت نسبی خود در برابر موقعیت منطقه‌ای ایران در محور مقاومت هستند. در عین حال نمی‌توان صرف هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و انسانی بالای جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت برای حصول به دستاوردهای مذکور را نادیده گرفت. هم‌اکنون زمینه امنیتی که ایران در آن عمل می‌کند، تغییر کرده و پیچیده‌تر شده است. این کشور با شرکای نسبتاً کوچک‌تر و حتی متحدان، با انبوهی از دشمنان منطقه‌ای و حتی جهانی مواجه است، از رقبای تاریخی ژئوپلیتیکی مانند عربستان سعودی و ترکیه گرفته تا دشمنان کاملاً متخاصم مانند ایالات متحده و رژیم صهیونیستی.

این مسائل وضعیت ایران را پیچیده‌تر می‌کند. مهم‌ترین نقطه مجهول در این حوزه نبود برنامه‌ریزی مدون و کلان و بلندمدت برای بهره‌برداری از نتایج اقدامات نیروهای مقاومت در سطح منطقه است به نحوی که آینده روشنی در روند راهبری آتی نیروهای مقاومت در منطقه وجود ندارد بنابراین با وجود اینکه حضور نیروهای مقاومت در کشورهای مختلف منطقه فرصت‌های ذی‌قیمتی را برای ج.ا.ا به وجود آورده لیکن باور نداشتن برخی عناصر در عرصه دیپلماسی و تعلل آنها در همراهی با نیروهای مقاومت و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی حاضر در

منطقه، سبب از بین رفتن این فرصت‌ها برای ارتقای امنیت ملی ج.ا.ا شده است.

مباحث زیر را می‌توان به‌عنوان یافته‌های کلیدی پژوهش در نظر گرفت:

- محور مقاومت یک نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر موازنه تهدید در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آید که بازیگران دولتی با پیشرانی و اقدامات اعتمادساز جمهوری اسلامی ایران در قالب راهبرد «اتحاد» و بازیگران فرودولتی و فرادولتی در قالب گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی در قالب راهبرد همراهی به آن می‌پیوندند. در اینجا، وجود دشمن فرامنطقه‌ای یعنی ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن و همچنین رژیم صهیونیستی، این بازیگران را به سوی گسترش تعاملات منطقه‌ای به‌ویژه در چهارچوب رسمی و غیررسمی و براساس راهبرد اتحاد و همراهی سوق داده است.

- براساس تلقی تهدید از وجود دشمن مشترک، کنشگران به راهبرد موازنه روی می‌آورند. محور مقاومت نیز به‌عنوان یک چهارچوب امنیت منطقه‌ای و ایجاد موازنه تهدید در منطقه غرب آسیا در راستای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. وجود محور مقاومت برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای ایران مفید است، زیرا با حمایت راهبردی و نظامی از این نیروها چه رسمی و دولتی و چه غیررسمی و در سطح فروملی و فراملی در یمن، لبنان، عراق و فلسطین، به دنبال برهم زدن موازنه تهدید علیه ایالات متحده در سطح منطقه است. البته این قابلیت علاوه بر اینکه منافع آمریکا در منطقه را به خطر می‌اندازد، تهدیدی برای متحدانش به‌ویژه رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است. پس وجود محور مقاومت در موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد و منجر به تقویت قدرت بازدارندگی و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران می‌شود.

- باتوجه به تعریف چندگانه و پیچیدگی مفهوم موازنه در عصر حاضر، موازنه قدرت و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های اخیر به‌لحاظ کمی و کیفی توسعه یافته و دارای ابعاد چندگانه است. آنچه عناصر موازنه جمهوری اسلامی ایران را در قالب محور مقاومت در منطقه غرب آسیا شکل می‌دهد، از جنبه‌های روانی گرفته تا عناصر سنتی قدرت، مبتنی بر تصویری است که از تهدید ایران به وجود آمده است. قدرت مذهبی - مکتبی، توانایی بسیج مردمی، توانمندی ژئوپلیتیکی، دسترسی و مجاورت نیروهای مقاومت با حوزه‌های درگیری منافع و علایق ایران در سطوح گوناگون منطقه‌ای، قابلیت تهاجمی که ایران با کمک محور مقاومت شکل داده و همه و همه این مسائل، ضریب تهدید ایران را نزد اذهان تصمیم‌گیران منطقه‌ای،

رقبا و دشمنان ایران افزایش داده است.

• ایران علاوه بر صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی به کشورها و نیروهای مختلف که در راستای ظرفیت و نیت بالایی توسعه جمهوری اسلامی تعریف می‌شود، با انتقال تکنولوژی تسلیحاتی، قدرت آتشباری محور مقاومت در برابر محور عبری، عربی و غربی را نیز افزایش داده و همچنین موضع مقتدرانه ایران در چهارچوب جبهه مقاومت، دول متخاصم همسایه را به تغییر و چرخش رویکرد تهاجمی خود در قبال انقلاب اسلامی ایران و کاهش سطح تهدیدات، علیه امنیت ملی آن واداشته است.

• محور مقاومت برای امنیت ملی و منافع ایران این امکان را فراهم می‌کند که از قدرت مانور عملیاتی تهاجمی بیشتری در سراسر غرب آسیا در برابر رقا و دشمنانش برخوردار باشد و با عنایت به سطح علایق و وابستگی این نیروها به ایران، در همان حال نیت تهاجمی قابل توجهی شکل می‌دهد و موازنه تهدید لازم را برای بازدارندگی در مقابل ائتلاف‌ها و اتحادهای رقیب و متخاصم در منطقه غرب آسیا خلق می‌کند.

• ج.ا.ا در محور مقاومت، همواره در ابعاد سیاسی، امنیتی و نظامی مانند حمایت از نظام سیاسی و احزاب همفکر، دیپلماسی رسمی، حمایت لجستیکی، نسل‌سازی و شبکه‌سازی برای آینده، تلاش‌های زیادی انجام داده است، اما در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، دیپلماسی عمومی و به خصوص ارتباط‌گیری با جناح‌های مختلف و مردم عامه، برنامه مدونی را پیش نبرده است. اساساً ایران صرفاً در بعد نظامی - مستشاری وارد این میدان شده و در سایر ابعاد سیاسی، اقتصادی و دیپلماسی عمومی به شکل بسیط و درازمدت کار نکرده است.

۷. پیشنهاد

تعامل سازنده و در چهارچوب سیاست همسایگی برای دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ راهبرد مطلوب در منطقه غرب آسیا و هم‌پوند با محور مقاومت اهمیت دارد: براساس این اصل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر همکاری و هماهنگی در عرصه بین‌المللی است و در این راستا، ایران می‌بایست تلاش کند دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع کند. این نوع سیاست، همان‌طور که از خلق تنش در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای خودداری می‌کند، به معنای کوتاه آمدن در مقابل قدرت‌های بزرگ یا قبول وضع

موجود در سیاست بین‌المللی به‌شمار نمی‌آید، بلکه با بهره‌گیری از قواعد بین‌الملل و خلق اجماع کارآمد با دولت‌های همسو و در راستای منافع و علایق دولت جمهوری اسلامی ایران تنظیم و تدوین می‌شود که با اجرای صحیح آن، بحران تصویرسازی منفی علیه ایران (از جمله تصویرسازی خطرناک از جمهوری اسلامی به بهانه ایجاد هلال شیعی برای کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس) رفع خواهد شد.

به نظر در رویکرد به محور مقاومت بایستی در چهارچوب امنیت موسع تعریف شود تا موازنه همه‌جانبه تهدید را در برابر دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شکل دهد: در این راستا باید اشاره داشت که تاکید بر موضوع خودکفایی امنیتی و دفاعی، بر ارتقای ضریب امنیت و عمیق و نهادینه‌سازی خودکفایی نظامی در میان نیروهای رسمی و غیررسمی عضو محور مقاومت را باید یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها در امر سیاست‌گذاری کلان در اتخاذ راهبرد مطلوب این حوزه قلمداد کرد.

تکمیل زنجیره ارتباطی میان اقدامات میدانی و دیپلماسی رسمی ج.ا.ا: با عنایت به اینکه بازیگری تک‌برداری و مضیق ایران در ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه و همچنین تحولات میدانی، چالش برانگیز و تهدیدآفرین است بنابراین ضرورت دارد که دستگاه تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی ایران، بازتعریف اساسی از نقش‌آفرینی کشورمان در سطوح مختلف حضور در منطقه از جمله چندبردارسازی و... ارائه دهد.

تلاش برای تعمیق همگرایی اقتصادی با همسایگان عربی در راستای ترغیب به بی‌طرفی یا بیشینه‌سازی هزینه اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران و تعیین دقیق موضع راهبردی ایران در قبال چشم‌انداز روابط با کشورهای عرب همسایه در سطوح عالی کشور.

همکاری امنیتی دریایی به‌عنوان یکی از زمینه‌های همکاری ایران و کشورهای خلیج فارس نیز قابل توصیه است. تعداد حوادث مربوط به کشتی‌ها در خلیج فارس و دریای عمان در سال‌های اخیر، این منطقه را به منطقه‌ای با پتانسیل بالا برای همکاری احتمالی ایران و همسایگان عرب تبدیل می‌کند.

نهادینه‌سازی محور مقاومت یکی از راهکارهای پیشنهادی برای آینده این جریان پویای منطقه‌ای است. «نهادینه‌سازی» این مدل سیاسی - نظامی با ورود بخشی از نیروهای مقاومت به

نیروهای نظامی رسمی کشورهای مقاومت در قالب موازی (مانند الگویی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و درعین حال حفظ نیروهای غیررسمی می‌تواند به این موضوع کمک کند. همچنین ایران می‌تواند به چنین بازیگرانی کمک کند تا به پایگاه‌های دائمی سیاسی محور مقاومت در کشورهایشان تبدیل شوند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.



References

- Abbasi, M., & Hamidfar, H. (2020). The alliance of Saudi Arabia and Israel with the United States and its implications for the balance of power and influence of the Islamic Republic of Iran. *International Studies Quarterly*, 67, 7–25. [in Persian]
- Abbasi, M., & Mahmoudzadeh, F. (2022). An analysis of Iran's ideological support for the Islamic resistance axis in West Asia. *Sacred Defense Studies Quarterly*, 8(2), 115–134. [in Persian]
- Ahmadzadeh, Barzegar, Ahmadi, & Athari. (2019). Alternative scenarios for the Islamic Republic of Iran in confronting Saudi Arabia's regional coalition-building among Arab countries. *Nashriye-ye Tahghihat-e Siyasi-ye Beynolmelali*, (40). [in Persian]
- Anderson, C., & Sadjadpour, K. (2018, January 4). Iran's cyber threat: Espionage, sabotage, and revenge. *Carnegie Endowment for International Peace*. <https://carnegieendowment.org/2018/01/04/iran-s-cyber-threat-espionage-sabotage-and-revenge-pub-75134>
- Azimzadeh Ardabili, M. M., Masoudnia, H., & Emamjomezadeh, S. J. (2017). A constructivist analysis of Turkey's new foreign policy and its competition with the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 10(38), 79–106. [in Persian]
- Bagheri, M., Omidi, A., & Yazdani, E. (2021). The axis of focus on the strategic policy of the Islamic Republic of Iran. *Islamic World Political Studies*, 10(2), 665–692. [in Persian]
- Bagheri Nejad, S. A., & Ghasemi, B. (2021). The role of Islamic Revolution thought and the resistance axis toward Syria based on Stephen Walt's theory. *Quarterly Journal of Defense Management and Research*, 20(91), 103–129. [in Persian]
- Cohen, R. A., & Shamci, G. P. (2022). The "proxy wars" strategy in Iranian regional foreign policy. *The Journal of the Middle East and Africa*. <https://doi.org/10.1080/21520844.2022.2061789>

- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Dehshiri, M., & Maghami, I. (2016). Islamic awakening and formations of new geometry in the Middle East. *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 5(4), 175–218.
- Ehteshami, A. (2014). Middle East middle powers: Regional role, international impact. *Uluslararası İlişkiler*, 11(42), 29–49.
- Fulton, J., & Yellinek, R. (2021). UAE-Israel diplomatic normalization: A response to a turbulent Middle East region. *Comparative Strategy*, 40(5), 499–515.
- Jafari. (2013). Strategy of "Balance of Threat" and the security of Islamic states in the Middle East region. *Fasname-ye Motaleat-e Siyasi-ye Jahan-e Eslam*, 2(7) [in Persian]
- Gerosi, S., Mirzaei, J., & Shahrokhi, E. (2007). The relationship between social trust and the sense of security. *Police Science Quarterly*, 34. [in Persian]
- Ghasemi, B. (2018). The geopolitics of the resistance axis and the national security of the Islamic Republic of Iran based on the discourse of the Islamic Revolution. *Afagh-e Amniat Quarterly*, 11(38), 5–34. [in Persian]
- Ghanbarloo, A. (2018). The Zionist regime and the continuation of tensions between Iran and the United States. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 11(1), 135–164. [in Persian]
- Gholizadeh, S. E., & Kaffash, J. (2013). Political-security consequences of Turkey's increasing regional power on the national interests of the Islamic Republic of Iran in West Asia. *Afagh-e Amniat Quarterly*, 6(19), 107–134. [in Persian]
- Glezal, J. (1997). *Security, police and crime* (A. Javidzadeh, Trans.). *Security Journal*, 1(3). [in Persian]
- Glombitza, O., & Zaccara, L. (2021). The Islamic Republic's foreign policy through the Iranian lens: Initiatives of engagement with the GCC. *The International*

Spectator, 56(4), 15–32.

- Gunzinger, M., & Dougherty, C. (2011). *Outside-in: Operating from range to defeat Iran's anti-access and area-denial threats*. Center for Strategic and Budgetary Assessments. https://www.files.ethz.ch/isn/154637/CSBA_SWA_FNL-WEB.pdf
- Hansen, C. H., & Henningsen, T. B. (2022). Whose proxy war? The competition among Iranian foreign policy elites in Iraq. *Small Wars & Insurgencies*. <https://doi.org/10.1080/09592318.2022.2064152>
- Ikenberry, G. J. (2004). *The sole superpower: American hegemony in the 21st century* (A. Fazlipour, Trans.). Tehran: Abrar Moaser. [in Persian]
- Karimi, A. (2017). The role of the Islamic Republic of Iran in shaping the security complex of the resistance axis. *Nations Research Monthly*, 2(20), 6. [in Persian]
- Khatibzadeh, S. (2020, October). HOPE for a new regional security architecture: Toward a Hormuz community. *Istituto Affari Internazionali (IAI)*. <https://www.iai.it/en/pubblicazioni/hope-new-regional-security-architecture-toward-hormuz-community>
- Mandel, R. (2008). *The changing face of national security* (Strategic Studies Research Center, Trans.). [in Persian]
- Mirghaderi, K. (2012). Literary foundations of resistance in the Qur'an. *Journal of Resistance Literature*, 1(1), 70. [in Persian]
- Poostinchi, & Motaqi. (2011). The political language of Islamic resistance in international politics. *Fasname-ye Pazhuhesh-haye Ravabet-e Beynolmelal*, 1(1) [in Persian]
- Rezakhah, A. (2013). Islamic awakening and the future of the resistance axis. *Zaman Journal*, (32), 32–33. [in Persian]
- Salavatian, H., Abadi, A. S., & Moradi, J. (2015). Iran and Saudi Arabia: The dilemma of security, the balance of threat. *Journal of Scientific Research and*

Development, 2(2), 141-149. [in Persian]

Vaziriyani, Amir Hossein, Golmohammadi, Vali, & Alizadeh. (2021). Evaluating the role of the resistance axis in the asymmetric deterrence of the Islamic Republic of Iran against the US containment policy. *Nashriye-ye Rahbord-e Defai*, (19) [in Persian]

Walt, S. M. (1985). Alliance formation and the balance of world power. *International Security*, 9(4), 3-43.

Walt, S. M. (1987). *The origins of alliances*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Walt, S. M. (2000). Containing rogues and renegades: Coalition strategies and counter proliferation. In V. A. Utgoff (Ed.), *The coming crisis: Nuclear proliferation, U.S. interests and world order* (pp. xx-xx). Cambridge, MA: Cambridge University Press.

Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics* (1st ed.). Reading, MA: Addison-Wesley.

Waltz, K. N. (1997). Evaluating theories. *The American Political Science Review*, 91(4), 913-917.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی